

## تبیین علی رفتار جامعه‌پسند نوجوانان بر اساس فلسفه فراهیجانی مادر و هیجانات اخلاقی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۰۳/۱۰ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۱۰/۱۲

مهدی ترکمن ملایری<sup>۱</sup>

دکتر راضیه شیخ الاسلامی<sup>۲\*</sup>

### چکیده

**مقدمه:** این پژوهش با هدف تبیین علی رفتار جامعه‌پسند بر مبنای فلسفه فراهیجانی مادر و هیجان‌های شرم و گناه انجام شد.

**روش:** طرح پژوهش، توصیفی، از نوع همبستگی است. جامعه آماری شامل همه دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه شهر شیراز در سال تحصیلی ۱۳۹۵-۱۳۹۶ به همراه مادران آن‌ها بود. شرکت‌کنندگان در پژوهش ۵۰۸ دانش‌آموز (۲۵۷ دختر و ۲۵۱ پسر) به همراه مادرانشان بودند که با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. ابزارهای اندازه‌گیری عبارت بودند از پرسشنامه فلسفه فراهیجانی والدین (ایولینی، ۲۰۰۶)، که مادران تکمیل کردند، مقیاس گرایش به شرم و گناه (کوهن و همکاران، ۲۰۱۱) و ابزار گرایش‌های جامعه‌پسند (کارلو و راندال، ۲۰۰۲)، که فرزندان تکمیل کردند. تجزیه و تحلیل داده‌ها با روش مدلیابی معادلات ساختاری و با استفاده از نرم‌افزار AMOS انجام گرفت.

**یافته‌ها:** نتایج نشان داد که مدل نهایی پژوهش از برازش مناسبی برخوردار است. یافته‌های حاصل از بررسی فرضیه‌های پژوهش نشانگر آن بود که هدایتگری هیجانی مادر، اثر مستقیم و مثبتی بر رفتار جامعه‌پسند و هیجان‌های گناه و شرم دارد. همچنین، این هیجان‌ها اثر مستقیم و مثبتی بر رفتارهای جامعه‌پسند نشان دادند. بر اساس یافته‌های پژوهش، هیجان‌های گناه و شرم در رابطه بین مؤلفه هدایتگری فلسفه فراهیجانی مادران و رفتار جامعه‌پسند نوجوانان، نقش واسطه‌ای داشتند. مؤلفه پذیرش/ آگاهی فراهیجانی مادر، بر هیچ‌یک از متغیرهای پژوهش اثرگذار نبود.

**نتیجه‌گیری:** به‌طور کلی، نتایج این پژوهش نشانگر اهمیت هیجان‌های اخلاقی در رفتار جامعه‌پسند است.

**کلمات کلیدی:** رفتار جامعه‌پسند، شرم، فلسفه فراهیجانی والدین، گناه، هیجان اخلاقی

۱ دانشجوی دکتری روان‌شناسی تربیتی دانشگاه شیراز

۲ دانشیار روان‌شناسی تربیتی دانشگاه شیراز

\*نویسنده مسئول: sheslami@shirazu.ac.ir

## A causal explanation of adolescents' prosocial behavior based on mother's meta-emotion philosophy and moral emotions

Mehdi Turkmen Malayeri<sup>1</sup>

Razieh Sheikholeslami<sup>2\*</sup>

### Abstract

**Introduction:** This research was conducted with the aim of causal explanation of the prosocial behavior based on mother's meta-emotion philosophy and the emotions of shame and guilt.

**Method:** The research method is a descriptive-co relational study. The statistical society included all students of the secondary high school in Shiraz city in the academic year of 2016-2017, together with their mothers. Participants were 508 students (257 girls and 251 boys) and their mothers were selected by cluster sampling method. Measurement tools included Meta-Emotion Philosophy Questionnaire (Evelyne, 2006) that have been completed by mothers, Guilt and Shame Proneness Scale (Cohen et al, 2011) and Prosocial Tendencies Measures (Carlo & Randall, 2002) that have been completed by students. The data was analyzed by structural equation modeling applying AMOS software.

**Results:** The result showed that final model has a good fitness. Also, findings of research hypothesis analysis showed that mother's emotional coaching has a direct and positive effect on the prosocial behavior and emotions of guilt and shame. Also, emotions of guilt and shame showed direct and positive effect on prosocial behaviors. Based on the findings of the research, emotions of guilt and shame had the mediating role in the relationship between mother's emotional coaching and prosocial behavior. Mother's acceptance/awareness didn't show any effect on research variables.

**Conclusion:** In general, results of this research indicated the importance of moral emotions in prosocial behavior.

**Keywords:** guilt, moral emotion, parental meta-emotion philosophy, prosocial behavior, shame

---

1. Phd in Educational Psychology, Shiraz University.

2 Associate Professor in Educational Psychology, Shiraz University

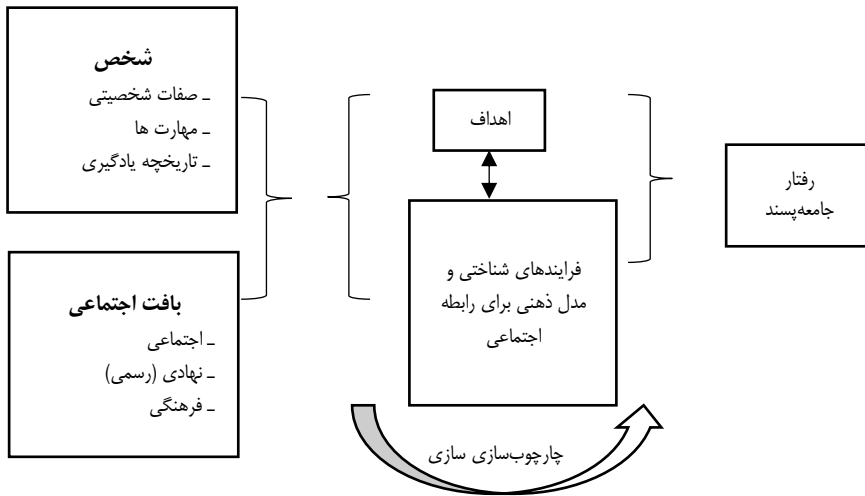
\*Corresponding Author: sheslami@shirazu.ac.ir

## مقدمه

انسان که موجودی اجتماعی است، در بافت اجتماعی خود به کنشگری می‌پردازد و در حین تعاملات اجتماعی و در قبال دیگران، رفتارهایی را انجام می‌دهد که بسیاری از آن‌ها برای دیگر اعضای جامعه مفید است. در اصطلاح صاحب‌نظران حوزه روان‌شناسی، چنین رفتارهایی معمولاً با عنوان رفتارهای جامعه‌پسند<sup>۱</sup> یا یاری‌رسان<sup>۲</sup> شناخته می‌شوند (لیندنبرگ<sup>۳</sup>، ۲۰۰۶). رفتارهای جامعه‌پسند را می‌توان از مطلوب‌ترین کیفیت‌های ماهیت انسان دانست. آن‌چنان‌که این رفتارها در نقش یک مؤلفه مهم برای تحقق رشد افراد به‌ویژه در زمینه‌های اخلاقی و اجتماعی شناخته می‌شوند (پادیللا - والکر و فرایسر<sup>۴</sup>، ۲۰۱۴). این تمایلات جامعه‌پسندانه مستلزم ابراز همدلی و تلاش در راستای افزایش رفاه و آسایش اجتماعی دیگران است (صفاری نیا، عباس پور و دهستانی، ۱۳۹۴). اهمیت رفتار جامعه‌پسند که یکی از جنبه‌های مهم رشد اخلاقی است، پژوهشگران را به بررسی عوامل مختلفی که این قبیل رفتارها را تسهیل می‌کنند، سوق داده است (صفاری نیا، آقاییوسفی و ایمانی فر، ۱۳۹۵؛ کارلو، نایت، مگ‌اینلی، گووودین و روئج<sup>۵</sup>، ۲۰۱۰). در پاسخ به آن‌که چه عواملی منجر به بروز رفتار جامعه‌پسند می‌شود، دیدگاه‌ها و نظریه‌های مختلفی شکل گرفته است که هم عوامل بیرونی مانند بافت جامعه، خانواده و یا به تعبیر کلی‌تر، جامعه‌پذیری<sup>۶</sup> و هم عوامل درونی مانند ویژگی‌های شناختی و هیجانی را تعیین‌کننده رفتار اجتماعی مطلوب می‌دانند (کلارک، داهلن و نیکلسون<sup>۷</sup>، ۲۰۱۵).

از جمله این دیدگاه‌ها می‌توان از مدل نظری لیندنبرگ (۲۰۰۶) نام برد که مبنای شکل‌گیری مدل این پژوهش است. در مدل لیندنبرگ (۲۰۰۶) رفتار جامعه‌پسند، نخست متأثر از دو عامل شخص و بافت اجتماعی است که طبق یک فرایند شناختی و انگیزشی که چارچوب‌سازی<sup>۸</sup> نامیده می‌شود، تصمیم فرد را برای درگیر شدن در رفتارهای جامعه‌پسند شکل می‌دهند. در این مدل، منظور از بافت اجتماعی، عناصری از بافت اجتماعی اعم از واحدهای اجتماعی رسمی و غیررسمی و همچنین فرهنگی است که موقعیت رفتارهای جامعه‌پسند را فراهم می‌سازند. مطابق با این مدل، عامل بافت اجتماعی (و شخص)، اهدافی را برای فرد ایجاد می‌کنند. همچنین هر فرد مدلی ذهنی برای برقراری روابط اجتماعی دارد که با توجه به آن اهداف خود را پردازش می‌کند. حاصل این پردازش منتهی به درگیر شدن یا نشدن در رفتارهای جامعه‌پسند می‌شود. در شکل ۱ مدل لیندنبرگ (۲۰۰۶) به تصویر درآمده است.

1. prosocial behavior
2. helping behavior
3. Linden berg
4. Padilla-Walker & Fraser
5. Carlo, Knight, McGinley, Goodvin, & Roesch.
6. socialization
7. Clark, Dahlen, & Nicholson
8. Framing



شکل ۱- مدل مفهومی رفتار جامعه‌پسند (لیندنبِrg، ۲۰۰۶)

در پژوهش حاضر، بافت اجتماعی، یک عامل اثرگذار بر رفتار جامعه‌پسند در نظر گرفته شده است. می‌توان گفت که در بافت اجتماعی اساسی‌ترین عاملی که رفتارهای افراد را متأثر می‌سازد، خانواده است و در این میان بر اساس پیشینه پژوهشی، جامعه‌پذیری از طریق والدین، همواره یکی از عوامل اصلی موقعیتی شکل‌گیری رفتارهای جامعه‌پسند فرزندان است.

جامعه‌پذیری فرایندی است که از طریق آن افراد، باورها، ارزش‌ها، هنجارهای اجتماعی و اعمالی را کسب می‌کنند که به آن‌ها اجازه می‌دهد به‌گونه‌ای موفق با جامعه تعامل داشته باشند (گونسو و کائوین<sup>۱</sup>، ۲۰۱۲). از جمله حوزه‌هایی که در سال‌های اخیر در ارتباط با جامعه‌پذیری به آن توجه شده است، جامعه‌پذیری هیجانی والدین<sup>۲</sup> است (ایزنبرگ، اگوم و اسپینراد<sup>۳</sup>، ۲۰۱۵). جامعه‌پذیری هیجانی والدین، اشاره به آن قسم از رفتارهای والدین دارد که با هدف جامعه‌پذیر کردن قابلیت‌های کودکان برای فهم، راحت بودن و مقابله با هیجانات انجام می‌گیرد (ایزنبرگ و همکاران، ۲۰۱۵). پادبلا - والکر (۲۰۱۴) در توصیف فرایند جامعه‌پذیری هیجانی والدین، بیان می‌کند که آموزش و تکیه‌گاه‌سازی والدین در زمینه هیجانات، منجر به توانایی بیشتر فرزندان در تنظیم، مقابله و فهم هیجانات می‌شود که این توانایی خود منجر به سطوح بالاتر همدلی و دیدگاه‌گیری می‌شود. در واقع، یکی از راه‌هایی که والدین می‌توانند با آن، به افزایش رفتارهای مثبت و جامعه‌پسند کمک کنند، جامعه‌پذیری فرزندان از طریق تربیت هیجانی است. مطابق با یافته‌های پژوهشی، والدین به شکل‌های مختلفی می‌توانند

1. Göncü & Gauvain  
2. parental emotion socialization  
3. Eisenberg, Eggum, & Spinrad

رفتارهای جامعه‌پسند را در فرزندان خود ایجاد، حفظ و تقویت کنند (سیگل‌من و رایدر<sup>۱</sup>، ۲۰۱۸). در پیشینه نظری و پژوهشی موجود، مدلی که بیشترین قرابت را با جامعه‌پذیری هیجانی والدین دارد، دیدگاه یا فلسفه فراهیجانی والدین<sup>۲</sup> است (گاتمن، کتز، و هوون<sup>۳</sup>، ۱۹۹۶). اگر رفتار جامعه‌پسند را یک کنش سازگارانه و ناشی از یک فرایند هیجانی (مطابق با اظهارات ایزنبرگ، فییز و اسپینراد<sup>۴</sup>، ۲۰۰۶؛ شافر و کیپ<sup>۵</sup>، ۲۰۱۰) بدانیم، فلسفه فراهیجان، تلویحات فراوانی برای این کنش خواهد داشت. این مفهوم اشاره به یک مجموعه سازمان‌یافته از احساسات و افکار والدین درباره هیجان‌ات خود و هیجان‌ات فرزندان<sup>۶</sup> دارد (گاتمن و همکاران، ۱۹۹۶). تأکید فلسفه فراهیجانی والدین بر سه عنصر است: ۱) آگاهی والدین از هیجان‌های خود، ۲) آگاهی والدین از هیجان‌ات فرزندان<sup>۷</sup> و پذیرش این هیجان‌ات و ۳) رفتار والدین که هم به هیجان‌ات فرزندان ارزش می‌دهد و هم آن‌ها را هدایت می‌کند (گاتمن و همکاران، ۱۹۹۶). به‌منظور تعیین سبک‌های متفاوت فلسفه فراهیجانی والدین، این عناصر در دو بعد آگاهی هیجانی<sup>۸</sup> و هدایت‌گری هیجان<sup>۹</sup> خلاصه می‌شوند. با توجه به ارتباط جامعه‌پذیری هیجانی والدین و رفتار جامعه‌پسند، انتظار می‌رود که فلسفه فراهیجانی والدین، رفتار جامعه‌پسند نوجوانان را تحت تأثیر قرار دهد. اما آنچه که در اینجا می‌توان پرسید این است که فلسفه فراهیجانی والدین از طریق چه متغیرها و با چه مکانیسمی بر رفتار جامعه‌پسند اثر می‌گذارد؟

مطابق با مدل لیندنبرگ (۲۰۰۶) بافت اجتماعی از طریق فرایندهای شناختی و مدل‌های ذهنی روابط اجتماعی، در بروز رفتار جامعه‌پسند نقش آفرینی می‌کند. مدل‌های ذهنی روابط اجتماعی، دربرگیرنده حداقل پنج اصل هستند: ۱- مجموعه‌ای از قواعد در مورد رفتار خود و دیگران، ۲- انتظاراتی که بر اساس این قواعد در مورد رفتار دیگران وجود دارد، ۳- حدس و گمان‌هایی در مورد انتظارات دیگران، ۴- انتظارات هنجاری در مورد رفتار خود و ۵- قائل شدن به این فرض که دیگران نیز در روابط اجتماعی از همین مدل‌های ذهنی برخوردارند. از جمله سازه‌های مبتنی بر مدل‌های ذهنی، هیجان‌ات اخلاقی هستند. هیجان‌ات اخلاقی هیجان‌ات خودآگاهی هستند که در هنگامی بروز پیدا می‌کنند که افراد در روابط اجتماعی نسبت به انتظارات درونی خود، انتظارات دیگران و انتظارات هنجاری جامعه آگاه شوند. در واقع، هیجان‌ات اخلاقی به ما کمک می‌کنند بفهمیم چرا افراد به استانداردهای اخلاقی وفادار می‌مانند (هاید<sup>۱۰</sup>، ۲۰۰۳؛ تانگنی، استوئیگ و ماشک<sup>۱۱</sup>، ۲۰۰۷). هیجان‌ات اخلاقی شامل هیجان‌اتی نظیر احساس شرم<sup>۱۰</sup>، احساس گناه<sup>۱۱</sup>، خجالت<sup>۱۲</sup>

1. Sigelman & Rider
2. parental meta-emotion philosophy
3. Gottman, Katz, & Hooven
4. Eisenber, Fabes, & Spinrad
5. Shaffer & Kipp
6. emotional awareness
7. emotional coaching
8. Haidt
9. Tangney, Stuewig, & Mashek
10. shame
11. guilt
12. embarrassment

و غرور<sup>۱</sup> هستند. در پیشینه پژوهشی، از بین این هیجان‌ات، نقش دو هیجان خودآگاه شرم و گناه در ارتباط با رفتارهای جامعه‌پسند برجسته شده است. این دو هیجان، پیوند نزدیکی با اخلاقیات اجتماعی دارند (تانگنی و همکاران، ۲۰۰۷). احساس شرم و احساس گناه از این حیث در جایگاه هیجان‌ات اخلاقی طبقه‌بندی می‌شوند که هنگامی ظاهر می‌شوند که افراد در دستیابی به استانداردهای (انتظارات) صحیح، مناسب یا مطلوب شکست می‌خورند (وونگ و تسای<sup>۲</sup>، ۲۰۰۷). اما آنچه که منجر به پرورش هیجان‌ات اخلاقی در نوجوانان می‌شود، واکنش مناسب والدین (در مقام یک عامل اجتماعی) به خطاکاری آنها، فرصتی برای آموزش هیجان‌ات به آنان است. زمانی که استانداردها و اهداف یک والد برای فرزند قابل دستیابی نباشد (برای مثال از نظر رشدی مناسب نباشد) و فرزند به دلیل دست نیافتن به استانداردها سرزنش شود؛ یا اگر عشق و پذیرش والد به کودک، مشروط به رفتار یا عملکرد کودک باشد و در صورت انجام رفتار خلاف انتظار، خویشتن کودک تحقیر شود، احساس شرم به وجود می‌آید. در مقابل، اگر والد به جای سرزنش و تحقیر، بیشتر روی عمل خطاکارانه (نه خود فرزند) و تأثیراتی که آن عمل می‌تواند بر روی دیگران داشته باشد، متمرکز شود، احتمال آن که احساس گناه به وجود آید، زیاد است (تانگنی و دیرینگ<sup>۳</sup>، ۲۰۰۲؛ پولاکوس<sup>۴</sup>، ۱۹۹۶).

شواهد پژوهشی متعددی حاکی از اثر رفتار والدین بر هیجان‌ات فرزندان است (فیتنس و دوفیلد<sup>۵</sup>، ۲۰۰۴). هارل، هووینگ و هادسون<sup>۶</sup> (۲۰۱۷) فلسفه فراهیجانی والدین (شامل آگاهی هیجانی و هدایت‌گری هیجانی) کودکان و نوجوانان دارای اختلال اضطراب را بررسی کردند. نتایج این تحقیق نشان داد والدین کودکان دارای اختلال اضطراب در مقایسه با والدین کودکانی که اختلال اضطراب نداشتند، آگاهی کمتری نسبت به هیجان‌ات شخصی خود و فرزندان‌شان دارند. همچنین، این والدین هدایت‌گری هیجانی کمتری داشتند. علاوه بر این، پژوهشگران نقش تبیین‌کننده فلسفه فراهیجانی والدین در استفاده از راهبردهای تنظیم هیجانی را آشکار ساخته‌اند. الیس و آلیسیک<sup>۷</sup> (۲۰۱۳) در پژوهش خود دریافتند که رابطه مثبت قوی بین هدایت‌گری مادران در زمینه‌ی هیجان‌ات منفی فرزندان‌شان و مهارت‌های تنظیم هیجان فرزندان وجود دارد. همچنین، پژوهش بر اجسا — زیگانک<sup>۸</sup> (۲۰۱۳) نشان داد که مؤلفه‌های فلسفه فراهیجانی والدین از طریق کاهش عاطفه منفی، به‌طور غیرمستقیم منجر به کاهش مشکلات رفتاری برون‌ریزی شده (همانند پرخاشگری) می‌شوند. علاوه بر این، نتایج پژوهش‌ها از ارتباط معنادار بین هیجان‌ات اخلاقی و رفتارهای جامعه‌پسند حکایت دارند. هیجان‌ات اخلاقی نیروی انگیزشی، قدرت و انرژی لازم را برای انجام کار پسندیده و

1. pride

2. Wong &amp; Tsai

3. Tangney &amp; Dearing

4. Pulakos

5. Fitness, &amp; Duffield

6. Hurrell, Houwing, &amp; Hudson

7. Ellis &amp; Alisic

8. Brajša-Žganec

دوری از انجام فعالیت‌های ناپسند فراهم می‌سازند (کرول و ایگان<sup>۱</sup>، ۲۰۰۴) و افراد را با اجتناب از وسوسه، ممانعت از پرخاشگری و انجام فعالیت درست، در مسیر اخلاق نگه می‌دارند (استوئیگ و تانگنی، ۲۰۰۷). مالتی و کرتنیر<sup>۲</sup> (۲۰۱۳) در فراتحلیلی بر روی ۴۲ مطالعه در خصوص ارتباط بین هیجانات اخلاقی و رفتارهای مطلوب اجتماعی و ضد اجتماعی نشان دادند که هیجانات اخلاقی، رابطه معنادار با اینگونه رفتارها دارند. همچنین، رابرتز، استروبر و دنهام<sup>۳</sup> (۲۰۱۴) بیان کردند که بین احساس گناه و ارتباط دوستانه با همسالان، رابطه معناداری وجود دارد. استلار<sup>۴</sup> و همکاران (۲۰۱۷) نیز نشان دادند که رفتارهای جامعه‌پسند تحت تأثیر هیجانات اخلاقی قرار می‌گیرند.

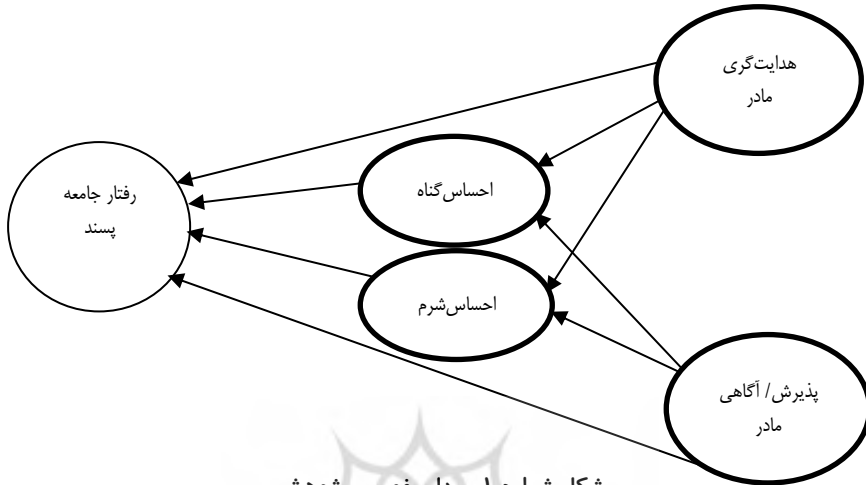
با توجه به مدل نظری لیندنبرگ مبنی بر اثر بافت اجتماعی بر رفتار جامعه‌پسند از طریق مدل‌های ذهنی روابط اجتماعی و همچنین با توجه به شواهد پژوهشی مبنی بر اثر رفتارهای والدین بر هیجانات فرزندان و نیز ارتباط بین هیجانات و رفتار جامعه‌پسند، این سوال مطرح می‌گردد که آیا هیجانات اخلاقی نقش واسطه‌ای در رابطه بین فلسفه فراهیجانی مادران و رفتار جامعه‌پسند نوجوانان دارند؟

باید گفت که اگرچه تا کنون متغیرهای نیرومندی برای تبیین رفتار جامعه‌پسند بررسی و شناسایی شده‌اند، کوشش‌های کمی برای یکپارچه ساختن این دستاوردها در قالب یک مدل تبیینی انجام شده است، به نحوی که این خلاء از دید صاحب‌نظران حوزه رفتارهای جامعه‌پسند نیز دور نمانده و بارها به لزوم مطالعه علمی این رفتار اشاره کرده‌اند. علاوه بر این، مطالعه رفتارهای جامعه‌پسند فی نفسه اهمیت دارد. به نحوی که فواید و آثار چنین مطالعاتی را می‌توان در مقیاس‌های بین‌فردی، خانوادگی، ملی، اجتماعی و حتی بین‌المللی دید. ارزش رفتارهای جامعه‌پسند عمدتاً در بهبود تعاملات انسانی و اثراتی که آن‌ها بر مناسبات ارزشمند انسانی بر جای می‌گذارند، مشهود است (جوادیان، راهب، قاسمی و رهگذر، ۱۳۹۲). در تعاملات اجتماعی، موضوع اخلاق جایگاهی بنیادی دارد و باید توجه داشت که رفتار جامعه‌پسند، مؤلفه مرکزی هویت اخلاقی است (پادیلا – والکر و فرایسر، ۲۰۱۴) و منجر به تقویت شخصیت اخلاقی افراد می‌شود (هاروز، مورای، بولتون، بتانکورت و باس<sup>۵</sup>، ۲۰۱۳؛ ایرشاد و آتا<sup>۶</sup>، ۲۰۱۳). به ویژه، نوجوانی دوره مهمی برای رشد و درونی‌سازی این رفتارها است (هافمن<sup>۷</sup>، ۲۰۰۰) و با توجه به شواهد پژوهشی، گرایش‌های جامعه‌پسند می‌توانند به گذار بهینه از بحران‌هایی که نوجوانان تجربه می‌کنند، کمک کند (دنهام و هولت<sup>۸</sup>، ۱۹۹۳).

بر این اساس، هدف کلی این پژوهش، ارائه و آزمون مدل علی برای تبیین رفتارهای جامعه‌پسند نوجوانان در فرهنگ ایرانی است و نقش ابعاد فلسفه فراهیجانی مادر در بروز رفتارهای

1. Kroll & Egan
2. Malti & Krettenauer
3. Roberts, Stroyer, & Denham
4. Stellar
5. Haroz, Murray, Bolton, Betancourt, & Bass
6. Irshad & Atta
7. Hoffman
8. Denham & Holt

جامعه‌پسند نوجوانان را با توجه به هیجان‌ات اخلاقی شرم و گناه، بررسی کرده است. مدل مفهومی پژوهش حاضر، در شکل ۱ نشان داده شده است.



شکل شماره ۱- مدل مفهومی پژوهش

## روش

طرح پژوهش حاضر توصیفی، از نوع همبستگی است و با استفاده از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری تحلیل شده است. بر اساس این طرح، فلسفه فراهیجانی والدین با دو مؤلفه هدایت‌گری و پذیرش / آگاهی متغیر برونزاد، هیجان‌ات اخلاقی شامل احساس گناه و احساس شرم، متغیر واسطه‌ای و رفتار جامعه‌پسند، متغیر درونزاد در نظر گرفته شده است. لازم به ذکر است که همه متغیرها، متغیر مکنون دانسته شده و گویه‌های هر پرسشنامه، شاخص‌های مشاهده‌پذیر برای متغیرهای مکنون در نظر گرفته شده‌اند.

## شرکت‌کنندگان

جامعه آماری پژوهش حاضر، دانش‌آموزان دختر و پسر دوره دوم متوسطه شهر شیراز در سال تحصیلی ۱۳۹۵-۱۳۹۶ به همراه مادران آن‌ها بودند. شرکت‌کنندگان در پژوهش، ۵۰۸ دانش‌آموز (۲۵۷ دختر و ۲۵۱ پسر) بودند که با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. بدین منظور، از هر یک از نواحی چهارگانه آموزش و پرورش شهر شیراز، دو مدرسه (یک دخترانه و یک پسرانه) و از هر مدرسه نیز سه کلاس به صورت تصادفی انتخاب شدند و کلیه دانش‌آموزان این کلاس‌ها مورد مطالعه قرار گرفتند. از نظر توزیع سنی، آزمودنی‌ها با میانگین ۱۶/۱۷ سال، در دامنه ۱۵ تا ۱۷ سال قرار داشتند. باید گفت که ابزار مربوط به فلسفه فراهیجانی والدین، بر روی مادران این دانش‌آموزان اجرا شد.



## ابزارها

**مقیاس فلسفه فراهیجانی والدین (SMEPS):** برای اندازه‌گیری فلسفه فراهیجانی مادران از مقیاس فلسفه فراهیجانی والدین سوئین برن<sup>۱</sup> (ایولینی<sup>۲</sup>، ۲۰۰۶) استفاده شد. فرم مذکور دارای ۳۰ گویه است که ۱۵ گویه آن مربوط به زیرمقیاس هدایت‌گری و ۱۵ گویه آن مربوط به زیرمقیاس پذیرش/آگاهی است. نمره‌گذاری مقیاس بر اساس طیف پنج درجه‌ای لیکرت در دامنه‌ای از کاملاً مخالفم (۱) تا کاملاً موافقم (۵) انجام می‌گیرد. ایولینی (۲۰۰۶) روایی این مقیاس را از طریق تحلیل عامل تأیید کرد. همچنین ایولینی (۲۰۰۶) پایایی مقیاس را با استفاده از آلفای کرونباخ برای خرده مقیاس هدایت‌گری برابر با ۰/۹۳، برای خرده مقیاس آگاهی برابر با ۰/۸۵ و برای کل مقیاس برابر با ۰/۷۹ گزارش کرد. در ایران نیز پارسایی و فولادچنگ (۱۳۸۹) روایی مقیاس را با استفاده از روش تحلیل عاملی و همبستگی هر خرده مقیاس با نمره کل و پایایی آن را با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ محاسبه و مطلوب گزارش کردند. شیخ‌الاسلامی و حسن‌نیا (۱۳۹۴) نیز در پژوهشی از طریق تحلیل عاملی تأییدی، روایی این مقیاس را به دست آوردند. همچنین، این پژوهشگران به منظور بررسی پایایی، ضرایب آلفای کرونباخ نمره کلی و ابعاد هدایت‌گری و آگاهی را محاسبه کردند که به ترتیب برابر با ۰/۹۱، ۰/۷۸ و ۰/۸۷ به دست آمد. در پژوهش حاضر، با استفاده از نرم‌افزار AMOS و با به کارگیری روش تحلیل عاملی تأییدی، روایی سازه‌ای مقیاس فلسفه فراهیجانی والدین بررسی و ساختار دو عاملی آن مورد تأیید قرار گرفت. البته مطابق با نتایج، چهار گویه ۱۶، ۲۱، ۲۸ و ۲۹ از عامل پذیرش/آگاهی به دلیل بار عاملی پایین‌تر از ۰/۳۰ حذف گردید. در مجموع، بررسی شاخص‌های برازندگی مقیاس فراهیجانی والدین، دلالت بر برازش بسیار مطلوب آن داشت. برای بررسی میزان پایایی این مقیاس نیز، از فرمول آلفای کرونباخ استفاده شد. ضرایب آلفای کرونباخ برای مؤلفه هدایت‌گری برابر با ۰/۹۰ و برای مؤلفه پذیرش/آگاهی برابر با ۰/۸۲ به دست آمد.

**مقیاس گرایش به گناه و شرم (GASP):** مقیاس گرایش به گناه و شرم<sup>۳</sup> دارای ۱۶ گویه است که جهت سنجش دو بعد متمایزکننده گناه و شرم (هر کدام ۸ گویه) توسط کوهن، ولف، پانتر و اینسکو<sup>۴</sup> (۲۰۱۱) تهیه شده است. در این مقیاس، سناریوهایی در مورد موقعیت‌هایی که افراد در زندگی روزمره با آنها مواجه می‌شوند و واکنش‌های آنها به این موقعیت‌ها، ارائه می‌شود. از افراد خواسته می‌شود تا خود را در آن موقعیت تصور کنند و میزان احتمال واکنش خود در این شرایط را بر روی یک مقیاس پنج درجه‌ای از ۱ تا ۵ مشخص کنند. تحلیل عاملی توسط سازندگان مقیاس نشان داد که احساس گناه دارای دو خرده مقیاس ارزیابی رفتار منفی<sup>۵</sup> و انجام اعمال جبرانی<sup>۱</sup> به دنبال تخلف فرد است و احساس

1. Swinburne Meta-Emotion Philosophy Scale (SMEPS)

2. Evelyne

3. Guilt and Shame Proneness Scale

4. Cohen, Wolf, Panter, & Insko

5. Negative Behavior Evaluation

شرم متشکل از خرده‌مقیاس‌های خود-ارزیابی منفی<sup>۲</sup> و رفتار کنارجویانه<sup>۳</sup> به دنبال افشای عمومی تخلف است. کوهن و همکاران (۲۰۱۱) نشان دادند که گرچه همبستگی زیادی میان خرده‌مقیاس‌های احساس گناه وجود دارد، اما رابطه خرده‌مقیاس‌های شرم با یکدیگر، ضعیف است. آنها در دو بررسی جداگانه، ضرایب آلفای مطلوبی (بین ۰/۶۱ تا ۰/۷۱) برای خرده‌مقیاس‌های این مقیاس، به دست آوردند. در ایران، کمالی (۱۳۹۲) با استفاده از روش تحلیل عاملی دو عامل احساس گناه و احساس شرم را استخراج کرد. هم‌چنین، در پژوهش وی، ضرایب آلفای ۰/۸۳ و ۰/۵۱ به ترتیب برای احساس گناه و احساس شرم به دست آمد. در پژوهش حاضر، با استفاده از نرم‌افزار AMOS و با به‌کارگیری روش تحلیل عامل تأییدی، روایی سازه‌ای مقیاس‌گرایش به شرم و گناه بررسی و ساختار دو عاملی آن مورد تأیید قرار گرفت. شاخص‌های برازش نیز، نشانگر برازش مطلوب مدل دو عاملی بود. برای بررسی پایایی این مقیاس، از ضریب آلفای کرونباخ استفاده گردید. ضریب آلفای کرونباخ برای گرایش به گناه برابر با ۰/۷۴ و برای گرایش به شرم برابر با ۰/۷۱ به‌دست آمد.

**ابزار گرایش‌های جامعه‌پسند (PTM):** ابزار گرایش‌های جامعه‌پسند<sup>۴</sup> را کارلو و راندال<sup>۵</sup> (۲۰۰۲) تهیه کرد و در آنها تجدیدنظر کرد. این ابزار یک فرم ۲۳ گویه‌ای خودسنجی است و ۶ نوع گرایش رفتاری جامعه‌پسند را میسنجد که عبارتند از: رفتارهای جامعه‌پسند گمنام (۵ گویه)، رفتارهای جامعه‌پسند جمعی (۴ گویه)، رفتارهای جامعه‌پسند نوع‌دوستانه (۵ گویه)، رفتارهای جامعه‌پسند هیجانی (۳ گویه)، رفتارهای جامعه‌پسند در موقعیت بحرانی یا اضطراری (۳ گویه) و رفتارهای جامعه‌پسند متابعت‌آمیز (۳ گویه). جمع کل گویه‌ها نیز نمره کلی رفتارهای جامعه‌پسند را نشان می‌دهد. نمره‌گذاری این ابزار به صورت طیف لیکرت ۵ درجه‌ای است از گزینه «اصلاً مرا توصیف نمی‌کند» (۱)، تا «کاملاً مرا توصیف می‌کند» (۵) انجام می‌شود.

در مطالعه کارلو و راندال (۲۰۰۲) روایی هم‌زمان ابزار با مقیاس‌های رفتار جامعه‌پسند جهانی، نگرانی‌های همدلانه، ارزش‌های نوع‌دوستانه و انگیزش مسئولیت اجتماعی، مطلوب گزارش شد. بر اساس گزارش کارلو، هیوسمان، کریستین‌سن و راندال<sup>۶</sup> (۲۰۰۳)، ضریب آلفای کرونباخ خرده‌مقیاس‌ها در دامنه بین ۰/۶۳ تا ۰/۸۵ و ضریب پایایی بازآزمایی در فاصله بین دو هفته برای خرده‌مقیاس‌ها بین ۰/۵۶ تا ۰/۸۲ به‌دست آمده است. در ایران نیز کجباف، سجادیان و نوری (۱۳۸۹) با استفاده از روش تحلیل عاملی، یک ساختار ۵ عاملی برای این ابزار شناسایی کردند. در مطالعه کجباف و همکاران (۱۳۸۹) ضریب آلفای کرونباخ و همچنین ضریب پایایی بازآزمایی کل ابزار برابر با ۰/۸۶ بود. در پژوهش حاضر نیز، به منظور احراز روایی سازه‌ای ابزار گرایش‌های جامعه‌پسند،

1. Repair
2. Negative Self-Evaluation
3. Withdraw
4. Prosocial Tendencies Measures
5. Carlo & Randall
6. Hausmann, Christiansen, & Randall

روش تحلیل عاملی تأییدی با استفاده از نرم‌افزار AMOS به کار گرفته شد و ساختار شش عاملی آن مورد تأیید قرار گرفت. البته مطابق با نتایج، گویه‌های ۱، ۱۶ و ۲۰ به دلیل بار عاملی پایین‌تر از ۰/۳۰ از این ساختار حذف گردید. در مجموع، بررسی شاخص‌های برازش، بیانگر برازندگی مطلوب مدل به دست آمده بود. جهت بررسی پایایی این ابزار، از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. ضرایب به دست آمده، برای ابعاد رفتارهای جامعه‌پسند بحرانی، گمنام، جمعی، نوع‌دوستانه، هیجانی و متابعت آمیز به ترتیب برابر با ۰/۷۹، ۰/۶۵، ۰/۶۶، ۰/۷۲، ۰/۷۱ و ۰/۷۸ و برای کل ابزار برابر با ۰/۷۶ بود.

### یافته‌ها

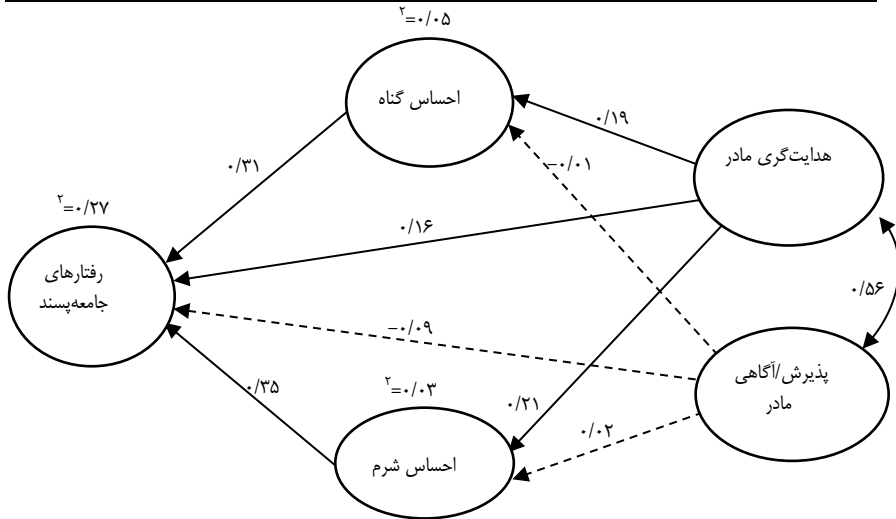
پیش از آزمون مدل پژوهش، میانگین، انحراف معیار و همبستگی مرتبه صفر متغیرهای پژوهش محاسبه شد (جدول ۱). روابط معنادار بین متغیرهای پژوهش امکان انجام تحلیل مدل را فراهم کرد.

جدول ۱: میانگین، انحراف معیار و همبستگی صفر مرتبه متغیرهای پژوهش

متغیرها	M	S.D	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۱. هدایتگری	۶۵/۷۶	۶/۸۹	—								
۲. پذیرش/آگاهی	۵۶/۸۰	۵/۶۹	۰/۵۵**	—							
۳. احساس گناه	۳۳/۰۲	۵/۱۲	۰/۱۲**	۰/۰۷	—						
۴. احساس شرم	۳۵/۸۵	۳/۹۸	۰/۱۰*	۰/۱۲**	۰/۱۳**	—					
۵. رفتار جامعه‌پسندگمنام	۱۸/۶۶	۳/۶۶	۰/۱۵**	۰/۰۵	۰/۳۰**	۰/۲۳**	—				
۶. رفتار جامعه‌پسندجمعی	۹/۲۱	۲/۳۱	۰/۰۵	۰/۰۳	۰/۰۶	۰/۱۱*	۰/۱۲**	—			
۷. رفتار جامعه‌پسند نوع‌دوستانه	۱۷/۸۹	۳/۰۲	۰/۱۲**	۰/۰۳	۰/۲۶**	۰/۰۷	۰/۳۶**	۰/۰۸	—		
۸. رفتار جامعه‌پسندهیجانی	۱۰/۷۸	۱/۸۸	۰/۱۰*	۰/۰۸	۰/۲۵**	۰/۱۶**	۰/۲۳**	۰/۲۶**	۰/۱۸**	—	
۹. رفتار جامعه‌پسند بحرانی	۱۱/۶۹	۱/۷۹	۰/۱۲**	۰/۱۰*	۰/۲۲**	۰/۱۸**	۰/۲۲**	۰/۱۰*	۰/۳۲**	۰/۲۵**	—
۱۰. رفتار جامعه‌پسند متابعت‌آمیز	۱۲/۴۴	۱/۹۱	۰/۱۱*	۰/۰۵	۰/۲۳**	۰/۱۲**	۰/۲۱**	۰/۰۶	۰/۲۴**	۰/۴۰**	۰/۲۶**

سطح معناداری  $P < ۰/۰۵$  \*  $P < ۰/۰۱$  \*\*

به منظور آزمون مدل پیشنهادی پژوهش، از مدل‌یابی معادلات ساختاری با روش بیشینه درست‌نمایی استفاده شد. در ابتدا، مفروضه‌های زیر بنایی مدل‌یابی معادلات ساختاری بررسی شد. پس از غربالگری داده‌های اولیه (شامل بررسی داده‌های از دست رفته و بررسی داده‌های پرت)، مفروضه اصلی مدل‌یابی معادلات ساختاری یعنی نرمال بودن تک متغیری و چندمتغیری داده‌ها بررسی شد و نتایج بیانگر وجود شرایط مناسب داده‌های گردآوری شده بود. در شکل ۲ نتایج مربوط به آزمون مدل پژوهش با استفاده از نرم‌افزار AMOS نسخه ۲۳ ارائه شده است.



شکل ۲. نتایج حاصل از آزمون مدل اثرات فلسفه فراهیجانی مادر بر رفتار جامعه‌پسند با واسطه‌گری احساسات شرم و گناه

آن گونه که در شکل ۲ مشاهده می‌شود، از بین دو مؤلفه فلسفه فراهیجانی، یعنی هدایت‌گری و پذیرش/ آگاهی مادر، تنها مؤلفه هدایت‌گری است که اثر مستقیم و مثبت بر رفتار جامعه‌پسند دارد داده است. به نحوی که هدایت‌گری هم پیش‌بینی کننده مثبت و معنادار احساس گناه ( $\beta = 0.19, p = 0.03$ ) و هم پیش‌بینی کننده مثبت و معنادار احساس شرم ( $\beta = 0.21, p = 0.008$ ) است. سایر نتایج مندرج در شکل ۲ نیز بیانگر آن است که دو هیجان شرم و گناه اثر مستقیم معناداری بر رفتارهای جامعه‌پسند دارند. بدین صورت که هم احساس گناه ( $\beta = 0.31, p = 0.0001$ ) و هم احساس شرم ( $\beta = 0.35, p = 0.0001$ ) به صورت مثبت، رفتارهای جامعه‌پسندانه نوجوانان را پیش‌بینی می‌کنند. شایان ذکر است که پذیرش/ آگاهی مادر بر هیچ‌یک از متغیرهای پژوهش اثر معناداری نشان نداد.

در ادامه و در چارچوب بررسی اثرات غیرمستقیم مدل پژوهش، سهم واسطه‌گری احساس گناه و شرم در رابطه بین فلسفه فراهیجانی مادر و رفتارهای جامعه‌پسند نوجوانان، با استفاده از تکنیک بوت استراب مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت. با توجه به مسیرهای معنادار موجود در مدل نهایی، از بین متغیرهای برون‌زاد، تنها اثر هدایت‌گری بر رفتارهای جامعه‌پسند قابل پیگیری بود. نتایج مربوط به بررسی اثرات غیرمستقیم معنادار به همراه اثرات مستقیم و اثرات کلی مدل پژوهش در جدول ۲ آورده شده است.

جدول ۲. اثرات مستقیم، غیرمستقیم و کل هدایتگری مادر بر رفتارهای جامعه‌پسند با واسطه‌گری احساس گناه و شرم

اثرات کل		اثرات غیرمستقیم		اثرات مستقیم		متغیرها	
$P$	$\beta$	$P$	حد بالا	خطا	$\beta$	$P$	$\beta$
۰/۰۰۸	۰/۲۱	۰/۰۱	۰/۱۱	۰/۰۱۶	۰/۰۳	۰/۰۵	۰/۰۳
							درون‌زاد
							واسطه‌ای
							برون‌زاد
							احساس گناه
							احساس شرم
							رفتارهای جامعه‌پسند
							رفتارهای جامعه‌پسند

همان‌گونه که در جدول ۲ ملاحظه می‌شود، بررسی اثرات غیرمستقیم هدایتگری مادر بر رفتارهای جامعه‌پسند حاکی از آن است که این متغیر با واسطه‌گری احساس گناه ( $p=0/05$ ,  $\beta=0/06$ ) و احساس شرم ( $p=0/01$ ,  $\beta=0/06$ )، اثر غیرمستقیم مثبت و معناداری بر رفتارهای جامعه‌پسند دارد. در مجموع همان‌گونه که در شکل ۲ مشاهده می‌شود، مدل پژوهش ۲۷ درصد از رفتار جامعه‌پسند نوجوانان را تبیین نموده است.

در ادامه به منظور بررسی میزان برازش مدل پژوهش، شاخص‌های برازش محاسبه شد. همان‌گونه که در جدول ۳ ملاحظه می‌شود نتایج، بیانگر برازش قابل قبول مدل نهایی پژوهش حاضر است. لازم به ذکر است که مدل در بررسی اولیه برازش چندان مطلوبی نداشت، پس از اعمال اصلاحات پیشنهادی ارائه شده توسط نرم افزار، برازش مجدداً محاسبه شد و در دو گام مدل به برازش مناسبی رسید. در جدول زیر نتایج برازش اولیه و برازش پس از اصلاحات ارائه شده است.

جدول ۳. شاخص‌های برازش مدل پژوهش

شاخص‌ها	P-Close	RMSEA	AGFI	GFI	IFI	CFI	$\chi^2/d.f$
مقادیر پیش از اصلاح	۰/۰۳	۰/۰۸	۰/۸۷	۰/۸۹	۰/۸۸	۰/۸۷	۳/۱۸
مقادیر پس از اصلاح	۰/۰۹	۰/۰۶	۰/۹۱	۰/۹۰	۰/۹۲	۰/۹۳	۲/۵۱
معیار پذیرش	$>0/05$	$\leq 0/08$	$\geq 0/90$	$\geq 0/90$	$\geq 0/90$	$\geq 0/90$	$<3$

### بحث و نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که از دو مؤلفه هدایتگری و پذیرش/آگاهی فلسفه فراهیجانی مادر، مؤلفه هدایتگری اثر مستقیم و مثبتی بر رفتار جامعه‌پسند فرزندان دارد. پژوهش‌های متعددی به پیوند بین جامعه‌پذیری و رفتارهای جامعه‌پسند فرزندان اشاره کرده‌اند و اثر والدین را در نقش مهم‌ترین عامل جامعه‌پذیری، بر رفتارهای اجتماعی کودکان و نوجوانان نشان داده‌اند (گونسو و گائوین، ۲۰۱۲؛ ایزنبرگ و همکاران، ۲۰۱۵). در واقع، والدین با اهمیت دادن

به نیازهای فرزندان، استدلال کردن، برقراری روابط محبت‌آمیز و توجه به هیجان‌های فرزندان، می‌تواند رشد اخلاقی آنان را تسهیل کند (سیگلن و رایدر، ۲۰۱۸). یافته پژوهش حاضر مبنی بر اثر مثبت هدایتگری مادر بر رفتارهای جامعه‌پسند نوجوانان، همسو با نتایج پژوهش‌های پیشین، دلالت بر آن دارد والدینی که به فهم و ابراز مناسب هیجان‌های فرزندان کمک می‌کنند، فرزندی دارند که شایستگی اجتماعی بیشتری برای انجام رفتار جامعه‌پسند نشان می‌دهند (اونیل وودز، ۲۰۱۲). والدین به شکل‌های مختلفی رفتارهای جامعه‌پسند را در فرزندان خود ایجاد، حفظ و تقویت می‌کنند. هدایتگری ناظر به سطحی از مداخله والدین با استفاده از ابزارهایی مانند توصیه‌های مستقیم و صحبت کردن با فرزندان در مورد هیجان‌های آنها است و به همان نسبت، شامل احترام و کمک به هدایت هیجان‌ها نیز می‌شود (ایولینی، ۲۰۰۶). در بعد هدایتگری، والدین از یک سو به فرزندان اهمیت عواطف را در زندگی آموزش می‌دهند و از سوی دیگر با تعیین حد و مرزها، الگویی روشن از چگونگی رفتار کردن را در اختیار فرزندان می‌گذارند و از این طریق با آموزش مهارت‌های اجتماعی لازم به فرزندان، برای آنان برقراری ارتباطات اجتماعی را آسان می‌کنند (ایولینی، ۲۰۰۶). مادری که به هدایت هیجان‌های فرزندان خود اهمیت می‌دهد و تلاش می‌کند هیجان‌های فرزندان خود را در جهت همدلی با دیگران پرورش دهد، زمینه انجام رفتارهای مطلوب اجتماعی در فرزندان خود را مهیا می‌سازد (سیگلن و رایدر، ۲۰۱۸).

دیگر یافته پژوهش حاضر نیز نشان داد مؤلفه هدایتگری فلسفه هیجانی مادر، اثر مستقیم و مثبتی بر احساس گناه و شرم دارد. در متون علمی، بارها اثر رفتار والدین بر شکل‌گیری هیجان‌های فرزندان، از جمله هیجان‌های اخلاقی تأیید شده است (فیتنس و دوفیلد، ۲۰۰۴). نتایج پژوهش‌های پیشین حاکی از آن است که اقداماتی که والدین در واکنش به ابراز هیجان‌های فرزندان انجام می‌دهند، با احساس شرم و گناه در فرزندان مرتبط است. برای نمونه، فرزندان خانواده‌هایی که سطح ابرازگری هیجان‌ها در آنها پایین است، شرم بیشتری را تجربه می‌کنند (پولاکوس، ۱۹۹۶). همچنین، در محیط‌های خانوادگی که در آن مادران به طور پیوسته در خصوص مفاهیم مرتبط با هیجان بحث می‌کنند، در اواسط کودکی سطح بالاتری از رشد وجدان (احساس گناه)، در فرزندان مشاهده می‌شود (کوچانسکا، ۲۰۰۲). علاوه بر این، از یک سو، سبک فرزندپروری مبتنی بر همدلی و استدلال، به ایجاد احساسات متناسب با گناه در کودکان منجر می‌شود (لیت و باومیسستر<sup>۱</sup>، ۱۹۹۸؛ هافمن، ۲۰۰۰) و از سوی دیگر، والدینی که به خطا و شکست فرزندان خود، از طریق محروم کردن آنها از محبت، واکنش نشان می‌دهند، موجب احساس شرم در آنان می‌شوند (مک‌گریگور و الیوت<sup>۲</sup>، ۲۰۰۵).

1. Leith & Baumeister  
2. McGregor & Elliot

از دیگر نتایج پژوهش حاضر، اثر مثبت هر دو هیجان اخلاقی گناه و شرم، بر رفتارهای جامعه‌پسند نوجوانان است. این یافته هم‌راستا با شواهد علمی مبنی بر اثر هیجان بر رشد اخلاقی است. گیبز<sup>۱</sup> (۲۰۱۴)، هیجان را یکی از مؤلفه‌های رشد اخلاقی برمی‌شمارد. به اعتقاد او، احساساتی که همراه با رفتارهای درست و رفتارهای غلط تجربه می‌شوند، بر افکار و اعمال اخلاقی اثرگذارند. یکی از این احساسات، احساس گناه است (کوچنسکا<sup>۲</sup>، ۲۰۰۲). احساس گناه که یک هیجان اخلاقی انطباقی است، پیامدهای مثبتی را به دنبال دارد (دی‌هوج، ۲۰۱۳). احساس گناه در مواردی پدیدار می‌شود که افراد در قبال ارتکاب یک خطا و تخلف احساس مسئولیت می‌کنند (باومیستر، استیلول و هدرتون<sup>۳</sup>، ۱۹۹۵). بنابراین، برای جبران خطا برانگیخته می‌شوند. حرکت به سمت اعمال جبرانی، یک شاخص انگیزشی احساس گناه است (تانگنی و دیرینگ، ۲۰۰۲). در واقع، احساس گناه، حرکت شخص به سمت دیگران است و طی آن فرد تلاش دارد تا عذرخواهی کند و آسیب واردشده را جبران نماید (دی‌هوج<sup>۴</sup>، ۲۰۱۳). رابرتز و همکاران (۲۰۱۴) معتقدند که احساس گناه یک رابط مهم بین خودتنظیمی هیجانی و خودتنظیمی رفتاری است. این محققان بیان کردند که احساس گناه نسبت به رفتارهای عمومی‌تر نظیر کنترل‌گری، تأثیر مهم‌تری بر بروز رفتارهای اجتماعی دارد. بر این اساس دور از انتظار نیست که احساس گناه به دلیل ماهیت انگیزشی و اصلاحی که دارد، رفتار جامعه‌پسند را افزایش دهد.

در خصوص اثر مثبت احساس شرم بر رفتار جامعه‌پسند نیز می‌توان گفت، اگر چه برخی از پژوهش‌ها برای احساس شرم کارکردهای غیرسازگارانه‌ای مطرح کرده‌اند و احساس شرم را با ناهماهنگی روان‌شناختی، شکاکیت، غضب و پرخاشگری همراه دانسته‌اند (تانگنی و فیشر، ۱۹۹۵؛ تانگنی و همکاران، ۲۰۰۷)، برخی دیگر نیز این پیامدها را به چالش کشیده‌اند و احساس شرم را از جمله هیجان‌دانی دانسته‌اند که در رشد اخلاقی بسیار اثرگذار است. مطابق با نظریه‌های رشد اخلاقی، احساس شرم بازدارنده بسیار قوی برای انجام رفتار غیر اخلاقی است و بر همین اساس، اجتناب از تجربه کردن این احساس، می‌تواند یکی از برانگیزاننده‌های مهم رفتار اخلاقی باشد (سیگلمن و رایدنر، ۲۰۱۸). در تجربه هیجان شرم، وقتی فرد قادر به ترمیم خویشتن آسیب‌دیده باشد، رفتارها و عملکردهای گرایشی مثل رفتار جامعه‌پسند انجام می‌دهد، ولی وقتی قادر به ترمیم خویشتن نباشد و یا ترمیم خویشتن را خطرناک ادراک کند، رفتارهای کناره‌گیرانه و اجتنابی انجام می‌دهد (دی‌هوج، ۲۰۱۳). بنابراین، به نظر می‌رسد هیجان اخلاقی شرم می‌تواند رفتارهای گرایشی را فعال و افراد را برای ورود به موقعیت‌های اجتماعی

1. Gibbs
2. Kochanska
3. Baumeister, Stillwell, & Heatherton
4. De Hooge

برانگیخته کند (دی هوج، ۲۰۱۳؛ تانگنی و همکاران، ۲۰۰۷). بر این اساس، طبق پژوهش حاضر، شرم به شکل یک هیجان انطباقی عمل کرده و تسهیل‌گر رفتارهای جامعه‌پسند بوده‌است.

در نهایت، نتایج این پژوهش نقش واسطه‌ای هیجان‌های اخلاقی در رابطه بین مؤلفه هدایتگری فلسفه فراهیجانی مادر و رفتارهای جامعه‌پسند نوجوانان را تأیید کرد. این یافته با نتایج پژوهش براجسا - زیگانک (۲۰۱۳) همسو است و نشان داد که مؤلفه‌های فلسفه فراهیجانی والدین از طریق کاهش عاطفه منفی، به طور غیرمستقیم به کاهش مشکلات رفتاری برون‌ریزی شده (همانند پرخاشگری) منجر می‌شوند. در واقع، این یافته حمایتی تجربی بر این مدعاست که جامعه‌پذیری هیجانی اولیه در خانواده، در شکل‌گیری هیجانات اخلاقی نقش دارد و از این طریق می‌تواند بروز رفتارهای جامعه‌پسند را تقویت کند (سیگلن و رایدر، ۲۰۱۸). با توجه به نتایج این پژوهش، هدایتگری هیجانی مادران موجب می‌شود که فرزندان، هیجانات متناسب با رفتار خود را تجربه کنند (اونیل وودز، ۲۰۱۲). به ویژه، هنگام انجام کار خطا، مادران با واکنش‌های تربیتی خود، تلاش می‌کنند هیجانات منفی در فرزندان خود ایجاد کنند تا از این طریق آنان را از انجام رفتارهای نامطلوب بازدارند (سیگلن و رایدر، ۲۰۱۸). بر این اساس، به نظر می‌رسد تجربه هیجانات منفی فعال‌کننده‌ای مانند احساس گناه نه تنها نوجوانان را از انجام رفتارهای نامناسب باز می‌دارد، بلکه آنان را برای انجام رفتارهای مطلوب برمی‌انگیزد. چون این هیجان فعال‌کننده است و افراد را در جهت اصلاح و تکمیل رفتار خود سوق می‌دهد (دی هوج، ۲۰۱۳). از طرف دیگر هیجان شرم به دلیل حس منفی نسبت به خود و خودسرزنی که ایجاد می‌کند (تانگنی و همکاران، ۲۰۰۷)، افراد را برمی‌انگیزد که با استفاده از روش‌های مختلف، این احساس منفی و سرزنش خود را کاهش دهند، از جمله این روش‌ها، داوطلب شدن برای کمک به دیگران و منفعت رساندن به افراد جامعه است (سیگلن و رایدر، ۲۰۱۸). بنابراین، به نظر می‌رسد اگر هیجان منفی شرم در حد متعادل ایجاد شود، می‌تواند مانند هیجان گناه پیامد سازنده‌ای را به دنبال داشته باشد. باید به یاد آورد که در متون علمی، دیدگاه‌های متفاوتی در مورد احساس گناه و شرم وجود دارد. برخی از دیدگاه‌ها، پیامدهای احساس گناه و احساس شرم را متفاوت دانسته‌اند (تانگنی و همکاران، ۲۰۰۷)؛ در حالی که برخی دیگر از دیدگاه‌ها، پیامدهای یکسانی را برای این دو هیجان قائل هستند (تانگنی و دیرینگ، ۲۰۰۲). در هر حال برای رسیدن به یک نتیجه مستدل و قابل اتکا، نیاز به انجام پژوهش‌های گسترده‌تری است.

در پژوهش حاضر، مؤلفه پذیرش/آگاهی مادر اثر معناداری بر هیچ‌یک از متغیرهای پژوهش نشان نداد. از آنجا که این مؤلفه نشانگر آگاهی والدین از هیجانات خود و فرزندانشان و توانایی آن‌ها در به بحث گذاشتن ویژگی‌های هیجان‌ها در خانواده است، بنابراین، به نظر می‌رسد در



خانواده‌های ایرانی بحث و گفتگو در خصوص هیجانات نسبت به هدایتگری کمتر اتفاق می‌افتد و والدین وقت بیشتری را صرف تعیین حد و مرزها و چارچوب‌ها برای ابراز هیجانات فرزندان می‌کنند تا آگاهی دادن به آنها در مورد هیجاناتی که تجربه می‌کنند. بر این اساس، مؤلفه پذیرش/آگاهی در مقایسه با مؤلفه هدایتگری، از واریانس لازم برخوردار نبوده است که بتواند اثر خود را بر متغیرهای پژوهش آشکار کند.

در مجموع، نتایج این پژوهش نشان داد که هدایتگری مادران نقش بسزایی در ایجاد هیجانات اخلاقی و رفتارهای جامعه‌پسند دارد. در واقع، نوجوانان در تعامل با والدین و هدایتگری‌های هیجانی آنها، می‌آموزند که در هنگام انجام رفتار اخلاقی و غیر اخلاقی، چه هیجاناتی را تجربه کنند و این عامل منجر به بازداری از انجام رفتارهای ناپسند و ترغیب به انجام رفتارهای مناسب و جامعه‌پسند می‌شود. بنابراین، نتایج پژوهش حاضر هم‌راستا با مبانی نظری و شواهد پژوهشی، نشان داد که یکی از عوامل اساسی در انجام رفتار اخلاقی، پرورش هیجانات اخلاقی فرزندان به وسیله مادران است. بر این اساس، لازم است در برنامه‌های آموزش خانواده، آگاهی‌هایی به والدین در خصوص ضرورت تربیت هیجانی فرزندان، داده شود. به نظر می‌رسد اکثر والدین، بیشتر بر تربیت شناختی فرزندان متمرکز هستند و از تربیت هیجانی آنان غافل هستند. در حالی که، برای برخورداری از یک زندگی توأم با روابط همدلانه و یاری‌رسان، تربیت هیجانی (اگر نگوییم بیش از) حداقل به اندازه تربیت شناختی از اهمیت برخوردار است. همچنین، با توجه به بررسی اثر هیجانات اخلاقی بر رفتار جامعه‌پسند در پژوهش حاضر، لازم است در برنامه‌های درسی نیز، به آموزش و پرورش هیجانات توجه شود. با پرورش هیجانات اخلاقی همچون احساس شرم و گناه و هدایت آنها می‌توان زمینه انجام رفتارهای نوع‌دوستانه و ایثارگرانه را در بین افراد جامعه فراهم آورد.

پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده، اثر هیجانات اخلاقی مثبت نیز بر رفتار جامعه‌پسند مطالعه شود. از محدودیت‌های این پژوهش، محدود بودن شرکت‌کنندگان پژوهش به دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه است. بنابراین، لازم است در تعمیم یافته‌ها به سایر گروه‌ها و دوره‌های تحصیلی احتیاط کرد.

## منابع

- احدی، ب؛ حجازی، ا؛ و به پژوه، ا. (۱۳۸۳). رضامندی زناشویی، ابراز هیجان والدین و مشکلات عاطفی - رفتاری کودکان. *مجله روان‌شناسی*، ۲۹، ۶۹-۵۲.

- بشرپور، س؛ مولوی، پ؛ شیخی، س؛ خانجانی، س؛ رجبی، م؛ موسوی، س. ا. (۱۳۹۲). بررسی ارتباط شیوه‌های تنظیم و ابراز هیجان با رفتارهای قلدری در دانش‌آموزان نوجوان. *مجله دانشگاه علوم پزشکی اردبیل*. ۱۳، (۳)، ۲۶۴-۲۷۵.
- پارسایی، ع. ا.، و فولادچنگ، م. (۱۳۸۹). *بررسی روایی و پایایی مقیاس دیدگاه فراهیجانی والدین در ایران*. اولین همایش کشوری دانشجویی عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت، تهران.
- جوادیان، س. ر؛ راهب، غ؛ قاسمی، و؛ و رهگذر، م. (۱۳۹۲). *سنجش رفتارهای اجتماعی مطلوب جوانان شهر اصفهان و عوامل شخصیتی مؤثر بر آن*. *مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری*، ۴، (۱۴)، ۱۰۲-۸۳.
- شیخ‌الاسلامی، ر؛ و حسن‌نیا، س. (۱۳۹۴). نقش واسطه‌ای هوش هیجانی در رابطه علی ابعاد فراهیجانی والدین و تاب‌آوری فرزندان. *روان‌شناسی خانواده*. ۲، (۱)، ۸۲-۷۱.
- صفاری‌نیا، م؛ آقا یوسفی، ع. ر؛ و ایمانی‌فر، ح. ر. (۱۳۹۵). پیش‌بینی‌کننده‌های شخصیتی و خلقی جامعه‌پسندی. *مجله مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، ۵، (۲)، ۲۷۱-۲۵۵.
- صفاری‌نیا، م؛ عباسپور، پ؛ و دهستانی، م. (۱۳۹۴). مقایسه هوش اجتماعی و شخصیت جامعه‌پسند در دانشجویان علوم پزشکی با و بدون اعتیاد به اینترنت. *مجله اصول بهداشت روانی*، ۱۷، (۵)، ۳۳-۲۲۹.
- کجباف، م ب؛ سجادیان، ا؛ نوری، ا. (۱۳۸۹). بررسی ساختار عاملی، روایی و اعتبار مقیاس‌گرایی‌های اجتماعی مطلوب در بین دانشجویان. *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۳۸، (۲)، ۱۱۸-۱۰۱.
- کمالی، ف. (۱۳۹۲). *رابطه معنویت و احساسات شرم و گناه: نقش واسطه‌ای راهبردهای تنظیم‌شناختی هیجان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شیراز.
- Baumeister, R. F., Stillwell, A. M., & Heatherton, T. F. (1995). Guilt: An interpersonal approach. *Psychological Bulletin*, 115, 243-267.
- Brajša-Žganec, A. (2013). Emotional life of the family: Parental meta-emotions, children's temperament and internalizing and externalizing problems. 23 (1), 25-45.
- **Brittian, A. S., & Humphries, M. L.** (2015). Prosocial behavior during adolescence. In: James D. Wright (editor-in-chief), *International Encyclopedia of the Social & Behavioral Sciences* (pp. 221-227). Oxford: Elsevier.

- Brownell, C. A., Svetlova, M., Anderson, R., Nichols, S. R. & Drummond, J. (2012). Socialization of early prosocial behavior: Parents' talk about emotions is associated with sharing and helping in toddlers. *Infancy*, 1, 18. 91-119.
- Carlo, G., Hausmann, A., Christiansen, S., & Randall, B. A. (2003). Sociocognitive and behavioral correlates of a measure of prosocial tendencies for adolescents. *Journal of Early Adolescence*, 23, 107-134.
- Carlo, G., Knight, G. P., McGinley, M., Goodvin, R., & Roesch, S. C. (2010). The developmental relations between perspective taking and prosocial behaviors: A meta-analytic examination of the task-specificity hypothesis. In B. Sokol, U. Müller, J. Carpendale, A. Young, & G. Iarocci (Eds.), *Self and social regulation: Social interaction and the development of social understanding and executive functions* (pp. 234-269). Oxford: Oxford University Press.
- Carlo, G., Randall, B.A., (2002). The development of a measure of prosocial behaviors for late adolescents. *Journal of Youth and Adolescence* 31, 31-44.
- Clark, C. M., Dahlen, E. R., & Nicholson, B. C. (2015). The role of parenting in relational aggression and prosocial behavior among emerging adults. *Journal of Aggression, Maltreatment & Trauma*, 24(2), 185-202.
- Cohen, T. R., Wolf, S. T., Panter, A. T., & Insko, C. A. (2011). Introducing the GASP Scale: A new measure of guilt and shame proneness. *Journal of Personality and Social Psychology*, 100, 947-966.
- De Hooge, I. E. (2013). Moral emotions and prosocial behavior: It may be time to change our view of shame and guilt. In: C. Mohiyeddini, M. Eysenck, & S. Bauer (Eds.), *Psychology of Emotions*. Nova Publishers.
- Denham, S. A., & Holt, R. W. (1993). Preschoolers' likability as cause or consequence of their social behavior. *Developmental Psychology*, 29, 271-275.
- Eisenberg, N., Eggum, N. D., & Spinrad, T. L. (2015). The Development of prosocial behavior. In: David A. Schroeder and William G. Graziano (Eds). *The Oxford Handbook of Prosocial Behavior*, Oxford University Press.
- Eisenberg, N., Fabes, R. A., & Spinrad, T. L., (2006). Prosocial development. In: Eisenberg, N., Damon, W., Lerner, R.M. (Eds.), *Handbook of Child Psychology, Social, Emotional, and Personality Development*, sixth ed., vol. 3 (pp. 646-718). John Wiley & Sons Inc., Hoboken, NJ, US.

- Ellis, H., & Alisic, E. (2013). Maternal emotion coaching: a protective factor for traumatized children's emotion regulation? *Journal of Child and Adolescent Trauma*, 6(2), 118-125.
- Evelyne, K. C. (2006). *Meta-emotion philosophy, emotional intelligence and relationship to adolescent emotional intelligence*, Master's thesis. Swinburne University of Technology, Australia.
- Fitness, J., & Duffield, J. (2004). The communication of emotion in families. In: A. L. Vangelisti (Ed.), *handbook of family communication* (pp. 473-494). Mahwah, New Jersey. Lawrence Erlbaum Associates.
- Garner, P. W., Dunsmore, J. C., & Southam-Gerrow, M. (2008). Mother-child conversations about emotions: Linkages to child aggression and prosocial behavior. *Social Development*, 17, 259-277.
- Gibbs, J. C. (2014). *Moral development and reality. Beyond the theories of Kohlberg, Hoffman, and Haidt* (3rd Ed.). New York, NY: Oxford University Press.
- Göncü, A., Gauvain, M., (2012). Sociocultural approaches to educational psychology: theory, research, and application. In: Harris, K., Graham, S., Urdan, T., McCormick, C.B., Sinatra, G.M., Sweller, J. (Eds.), *Handbook of Educational Psychology. Vol. 1: Theories, Constructs, and Critical Issues* (pp. 123-152). American Psychological Association, Washington.
- Gottman, J. M., Katz, L. F., & Hooven, C. (1996). Parental meta-emotion philosophy and the emotional life of families: Theoretical models and preliminary data. *Journal of Family Psychology*, 10, 243-268.
- Haidt, J. (2003). The moral emotions. In: R. J. Davidson, K. R. Scherer & H. H. Goldsmith (Eds.), *Handbook of affective sciences* (pp. 852-870). Oxford: Oxford University Press.
- Haroz, E. E., Murray, L. K., Bolton, P., Betancourt, T., & Bass, J. K. (2013). Adolescent resilience in Northern Uganda: the role of social support and prosocial behavior in reducing mental health problems. *Journal of Research on Adolescence*, 23, 138-148.
- Hoffman, M. L. (2000). *Empathy and moral development – implications for caring and justice*. New York: Cambridge University Press.
- Hurrell, K. E., Houwing, F. L., & Hudson, J. L. (2017). Parental meta-emotion philosophy and emotion coaching in families of children and adolescents with an anxiety disorder. *Journal of Abnormal Child Psychology*, 45(3), 569-582.
- Irshad, E., & Atta, M. (2013). Social competence as predictor of bullying among children and adolescents. *Journal of the Indian Academy of Applied Psychology*, 39, 35-42.

- Kochanska, G. (2002). Mutually responsive orientation between mothers and their young children: A context for the early development of conscience. *Current Directions in Psychological Science*, 11(6), 191-195.
- Kroll, J., & Egan, E. (2004). Psychiatry, moral worry, and moral emotions. *Journal of Psychiatric Practice*, 10, 352-360.
- Leith, K. P. & Baumeister, R. F. (1998). Empathy, shame, guilt and narratives of interpersonal conflicts: guilt-prone people are better at perspective-taking. *Journal of Personality*, 66, 1-37.
- Lindenberg, S. (2006). Prosocial behavior, solidarity and goal-framing processes. In: D. Fetchenhauer, A. Flache, B. Buunk, & S. Lindenberg (Eds.), *Solidarity and prosocial behavior. An integration of sociological and psychological perspectives*. Amsterdam: Kluwer. pp. 23-44.
- Malti, T., & Krettenauer, T. (2013). The relation of moral emotion attributions to prosocial and antisocial behaviour: A meta-analysis. *Child Development*, 84(2), 397-412.
- McGregor, H. A., & Elliot, A.J. (2005). The shame of failure: Examining the link between fear of failure and shame. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 31, 218-231.
- O'Neil Woods, S. E. (2012). *Links among maternal emotion socialization, and children's emotional competence and social behaviour*. Electronic Theses and Dissertations. University of Windsor.
- Padilla-Walker, L. M. (2014). Parental socialization of prosocial behavior: A multidimensional approach. In: Laura M. Padilla-Walker and Gustavo Carlo (Eds). *Prosocial development: A multidimensional approach (chapter 7)*. New York: Oxford University Press.
- Padilla-Walker, L. M., & Fraser, A. M. (2014). How much is it going to cost me? Bidirectional relations between adolescents' moral personality and prosocial behavior. *Journal of Adolescence*, 37, 993-1001.
- Pulakos, J. (1996). Family environment and shame: Is there a relationship? *Journal of Clinical Psychology*, 52(6), 617-623.
- Roberts, W., Stroyer, J., & Denham, S. (2014). Empathy, anger, guilt: Emotions and prosocial behavior. *Canadian Journal of Behavioural Science*, 46(4), 465-474.
- Sigelman, C. K., and Rider, E. A. (2018). *Life-span human development*, 9<sup>th</sup> Ed. Cengage Learning.
- Shaffer, D. R., & Kipp, K. (2010). *Developmental psychology: Childhood & adolescence* (8<sup>th</sup> Ed.). Wadsworth: Belmont.
- Stellar, J. E., Gordon, M., Piff, P. K., Cordaro, D., Anderson, C. L., & Maruskin, L. A. (2017). Self-transcendent emotions and their social functions: Compassion, gratitude, and awe bind us to others through prosociality. *Emotion Review*, 9(3), 200-207.

- Stuewig, J., & Tangney, J. P. (2007). Shame and guilt in antisocial and risky behaviors. In: J. L. Tracy, R. W. Robins & J. P. Tangney (Eds.). *The self-conscious emotions: Theory and research* (pp. 371-388). New York: The Guilford Press.
- Tangney, J. P., & Dearing, R. L. (2002). *Shame and guilt*. New York: The Guilford Press.
- Tangney, J. P., & Fischer, K. W. (1995). *Self-conscious emotions: The psychology of shame, guilt, embarrassment, and pride*. New York: The Guilford Press.
- Tangney, J. P., Stuewig, J., & Mashek, D. J. (2007). Moral emotions and moral behavior. *Annual Review of Psychology*, 58, 345-372.
- Vinik, J., Almas, A., & Grusec, J. (2011). Mothers' knowledge of what distresses and what comforts their children predicts children's coping, empathy, and prosocial behavior. *Parenting: Science and Practice*, 11(1), 56-71.
- Wong, Y., & Tsai, J. (2007). Cultural models of shame and guilt. In: J. L. Tracy, R. W. Robins & J. P. Tangney (Eds.), *the self-conscious emotions: Theory and research* (pp. 209-223). New York: The Guilford Press.

